

- ۱ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) عکس‌العمل در برابر سختی‌ها منشأ آن قوه ..... است.  
ب) ..... یکی از کتاب‌های کانت در حوزه فلسفه اخلاق است.  
ج) کسب فضائل برای انسان باعث ..... و ..... می‌شود.
- ۲ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) قوه ..... انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی می‌کند.  
ب) کانت دو کتاب مهم در ..... دارد.  
ج) ردائل اخلاقی باعث جلوگیری از ..... روح می‌شود.
- ۳ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) قوه ..... انسان را به سوی لذایذ فرا می‌خواند.  
ب) افراط در شهوات مختلف ..... است.  
ج) ردائل اخلاقی باعث صدمه زدن به ..... می‌شود.
- ۴ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) از نظر افلاطون در وجود انسان ..... قوه اصلی وجود دارد.  
ب) ..... به معنای نترسیدن در مواردی که ترس سزاوار است.  
ج) ظلم و بخل و ..... نمونه‌ای از ردیلت‌هاست.
- ۵ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) ردیلت و بدی زمانی شمرده می‌شود که فعل اخلاقی در جهت ..... نباشد.  
ب) ..... همان عدم نیاز به یادگیری و به شبهه انداختن دیگران است.  
ج) ..... فضیلت‌ها را دوست دارد و از ردیلت‌ها گریزان است.
- ۶ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) اگر فعل اخلاقی برخلاف سعادت باشد ..... است.  
ب) ..... به معنای خروج عقل از اعتدال و رفتن به سمت افراط است.  
ج) رشد و کمال روح در صفاتی مثل ..... و احسان و ..... است.
- ۷ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) اگر ..... در جهت سعادت باشد فضیلت است. (افلاطون)  
ب) حد وسط و اعتدال شهوت ..... است.  
ج) عقل ..... به این دلیل نامیده شده که قابلیت تشخیص خوبی و بدی را دارد. (در اسلام)
- ۸ جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی آدم رابطه ..... دارد. (افلاطون)  
ب) حد وسط و اعتدال غضب در ..... است.  
ج) فلاسفه مسلمان ..... را منبع شناخت فضیلت و ردیلت می‌دانند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) اگر فعل اخلاقی در جهت ..... باشد فضیلت محسوب می‌شود.  
 ب) حد وسط و اعتدال عقل ..... است.  
 ج) دیدگاه ابن‌سینا و دیگر فلاسفه مسلمان نزدیک به دیدگاه ..... و ..... است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) از نظر افلاطون ..... با سعادت و نیک‌بختی رابطه دارد.  
 ب) حالت تفریط شهرت ..... است.  
 ج) وجود منفعت در قواعد اخلاقی باعث ..... آن‌ها می‌شود. (ماتریالیست‌ها)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) تفاوت در ..... ها باعث تفاوت در اصول اخلاقی نیز گاهی می‌شود.  
 ب) حالت تفریط غضب ..... است.  
 ج) موارد اخلاقی چون برای ..... ضروری هستند باید آن‌ها را رعایت کرد. (ماتریالیست‌ها)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) از نظر ..... فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی رابطه دارد.  
 ب) حالت تفریط عقل ..... است.  
 ج) عدالت و دیگر مسائل اخلاقی ..... ، اخلاقی نیستند. (ماتریالیست‌ها)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) اصول اخلاقی با تغییر شرایط ..... می‌تواند قابل تغییر باشد.  
 ب) حالت افراط شهوت ..... است.  
 ج) صداقت و عدالت و دیگر موارد ارزش حقیقی ..... . (ماتریالیست‌ها)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ما طبق ..... خود نمی‌توانیم قانون بگذاریم و از دیگران انتظار رعایت آن‌را داشته باشیم.  
 ب) حالت افراط غضب ..... است.  
 ج) ابداع ..... اخلاقی فقط برای وجود گره منافع خود با دیگران است. (ماتریالیست‌ها)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ..... طبق سلیقه خود و دیدگاه خود قواعد اخلاقی وضع کرد.  
 ب) حالت افراط عقل ..... است.  
 ج) ..... انسان در گرو ..... دیگران است. (از قواعد اخلاقی ماتریالیست‌ها)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) قواعد ..... مورد قبول عموم قرار می‌گیرند.  
 ب) عقل هر انسانی اعتدال را به صورت امری ..... می‌پذیرد.  
 ج) آزادی زیاد در برابر دیگران منوط به آزادی دادن زیاد به دیگران است. این جمله ..... است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) پرسش ..... درباره فعل اخلاقی و طبیعی چگونه ملاک قرار دادن آن‌ها می‌باشد.  
 ب) از نظر ارسطو عقل ..... اعتدال را درک می‌کند.  
 ج) در صورتی می‌توان با دیگران ..... کرد که آن‌چه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسندی.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ..... بین فعل اخلاقی و فعل طبیعی یکی از موارد مورد توجه فلاسفه بوده است.  
 ب) ارسطو معتقد است ..... معیار مشترک میان همه‌ی انسان‌هاست.  
 ج) اولین قانون اخلاقی این است «آن‌چه برای ..... می‌پسندی برای ..... نیز بیسند.»

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) دعوا کردن با قلدر مدرسه برای احیای حقوق ضعیف‌ترها نوعی فعل ..... است.  
 ب) ..... هم ممکن است خودش دچار افراط و تفریط شود.  
 ج) از آن‌جا که انسان زندگی اجتماعی دارد ناگزیر است ..... را رعایت کند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) نابرابری مصداقی از وجود فعل ..... است.  
 ب) از نظر ارسطو علاوه بر غضب و شهرت باید قوه عقل هم در ..... باشد.  
 ج) باید منافع دیگران رعایت شود تا ..... خودمان رعایت شود.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ایثار و وفاداری شهدا در جبهه نوعی از فعل ..... است.  
 ب) رسیدن به درجات ..... از معرفت شرط اعتدال از سمت عقل است.  
 ج) بسته به این‌که یک کار به سود یا ضررمان باشد آن را ..... و ..... می‌نامیم. (ماتریالیست)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) احسان و گذشت از غذای خود برای دیگران یک فعل ..... است.  
 ب) عقل توانایی جلوگیری از ..... و ..... را دارد. (ارسطو)  
 ج) خوب و بد در فلاسفه داروینیست به معنای ..... خودشان به کار نمی‌رود.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) اگر کاری مورد سرزنش و تفریح قرار گرفت می‌توان گفت آن کار ..... است.  
 ب) به اعتقاد ارسطو ..... و ..... همواره در معرض افراط و تفریط هستند.  
 ج) از نظر کسانی‌که بعد روحی را قبول ندارند انسان برای رفع نیازهایش مثل ..... عمل می‌کند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) اموری که مورد ستایش و ..... قرار بگیرند می‌توانند فعل اخلاقی باشند.  
 ب) عامل سعادت و نیک‌بختی از نظر ..... ، اعتدال است.  
 ج) داروینیست‌ها کسانی‌اند که فعل ..... را درون فعل طبیعی می‌بینند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) آشپزی برای فرزندان توسط یک مادر ..... است.  
 ب) اعتدال قوا در حاکمیت ..... است. (ارسطو)  
 ج) ماتریالیست‌ها ریشه افعال اخلاقی را در فعل ..... جستجو می‌کنند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ورزش و تفریح جزئی از افعال ..... هستند.  
 ب) نظر ارسطو ..... به استاد خویش بود.  
 ج) کانت: دو چیز همواره مرا به شگفتی می‌آورد الف) ..... و ب) .....

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) کسب درآمد نوعی ..... است.  
 ب) اخلاق نیکوماخوس کتابی است از .....  
 ج) اگر کاری که می‌کنیم زمانی که برای خودمان نیز انجام دادند آن‌ها را تحسین کردیم این ..... است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) کارهایی که انسان برای رفع نیازهای روزانه‌اش انجام می‌دهد ..... است.  
 ب) نظر ..... درباره اخلاق نزدیک به استاد خویش است.  
 ج) از نظر کانت قاعده‌ای خوب است که بتوان آن‌را برای ..... نیز وضع کرد.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) افعال انسان ..... به دو دسته تقسیم می‌شوند.  
 ب) نیک‌بختی معیارهایش برای همه‌ی ..... ثابت است.  
 ج) اصلی‌ترین دلیل که یک فعل خیر اخلاقی بشود این است که ..... به آن دستور دهد.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ..... برای همه باید یکسان باشد.  
 ب) معیارهای نیک‌بختی با گذشت ..... تغییری نمی‌کند.  
 ج) حتی اگر برای رسیدن به ..... کاری را انجام دهیم آن دیگر خیر اخلاقی نیست. (کانت)

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) انسان موجودی است ..... گرا.  
 ب) ..... کسی است که متصف به چهار فضیلت حکمت، شجاعت، عدالت و خویشتن‌داری باشد.  
 ج) تشویب و ..... دیگران نمونه از عدم وجود خیر اخلاقی در فعل ماست.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) هدف فلسفه اخلاق شناخت بیش‌تر ..... های انسانی در حوزه اخلاق است.  
 ب) برابند اعتدال قوا ..... است.  
 ج) اگر هیچ‌گونه هدف و ..... شخصی در کاری که می‌کنیم نباشد آن خیر اخلاقی است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ..... بخشی از فلسفه است راجب اخلاق و مسائل پیرامون آن صحبت می‌کند.  
 ب) قوه غضب متصف به ..... می‌شود با حکومت عقل.  
 ج) خیر اخلاقی این است که صرفاً برای ..... شخص انجام نشود.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) درک ..... و ..... از فواید اخلاق برای انسان است.  
 ب) قوه شهوت حکمتش در ..... است.  
 ج) وجدان اخلاقی است که به ..... اخلاقی دعوت می‌کند.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) از نظر برخی متفکران انسان براساس ..... برخی از کارها را انجام داده است.  
 ب) از نظر افلاطون عقل از فضیلت ..... برخوردار است.  
 ج) از نظر کانت هر انسان درون خود حقیقتی به عنوان ..... دارد.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) از نظر ..... متفکران انسان موجودی است که خوب و بد اخلاقی را درک می‌کند.  
 ب) کنترل و حکومت ..... بر قوه‌های دیگر باعث سعادت می‌شود.  
 ج) معیار عقل اخلاقی از نظر کانت در ..... است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) یکی از وجوه تمایز انسان و حیوان ..... است.  
 ب) شرط وجود ..... است که منجر به سعادت می‌شود.  
 ج) عناصر مابعدالطبیعه ..... یکی از کتاب‌های کانت درباره فضیلت نیز هست.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
 الف) ..... آن‌قدر مهم است که برخی از متفکران، آن انسان را تعریف کرده‌اند.  
 ب) ملاک عمل باید در ..... باشد برای رسیدن به سعادت.  
 ج) کانت فیلسوف قرن ..... آلمان است.

جاهای خالی زیر را کامل کنید.  
الف) انسان می‌تواند خوب و بد ..... را درک کند.  
ب) توانایی شناخت سعادت فقط از پس قوه ..... برمی‌آید.  
ج) عناصر مابعدالطبیعه ..... نیز یکی از کتاب‌های کانت بر فلسفه اخلاق است.

جاهای خالی زیر را پر کنید.  
الف) انسان با ..... اخلاق آشناست.  
ب) قوه ..... است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد.  
ج) بنیاد ..... یکی از کتاب‌های کانت در حوزه فلسفه اخلاق است.

رابطه‌ی عقل با اخلاق از نظر افلاطون و ارسطو و فیلسوفان مسلمان را با دوستان خود به بحث بگذارید و نتیجه را در کلاس گزارش نمایید.

۱) هر کدام از گزاره‌های زیر، به کدام فیلسوف ارتباط دارد؟  
- معیار فعل اخلاقی، جستجوی سعادت و نیک‌بختی انسان است.  
- معیار فعل اخلاقی، در رعایت حداعتدال است.  
- معیار فعل اخلاقی، در اطاعت از وجدان است.  
- معیار فعل اخلاقی، برای حفظ مصالح و منافع افراد در جامعه است.  
- معیار فعل اخلاقی، از جنس کمال و زیبایی بودن و رسانده‌ی انسان به کمال است.  
۲) کدام معیار را شما می‌پسندید؟ چرا؟

در این‌جا دو واقعه از وقایعی که معمولاً پیرامون ما می‌گذرد، آمده است. پس از مطالعه این دو ماجرا، رفتار علی و رحمان را تحلیل کنید و توضیح دهید که اولاً هریک از تصمیمات آن‌ها با چه انگیزه‌ی اخلاقی (مثبت یا منفی) صورت گرفته و ثانیاً این انگیزه به کدام‌یک از دیدگاه‌های طرح شده در این درس نزدیک است؟  
صحنه‌ی اول

مادربزرگ احمد یک روز به پست‌خانه می‌رود. در راه، پای او در شکاف پیاده‌رو گیر می‌کند و او زمین می‌خورد. علی، که سوار بر دوچرخه است و برای شرکت در یک مسابقه از آن‌جا می‌گذرد. می‌بیند که چه اتفاقی رخ داده است. او دیرش شده و بنابراین تصمیم می‌گیرد با سرعت به راه خود ادامه دهد اما این فکر به سرعت جای خود را به نگرانی درباره‌ی وضعیت مادربزرگ احمد می‌دهد. بنابراین علی می‌ایستد، مادربزرگ را از زمین بلند می‌کند و پیش از آن‌که به راه خود برود، اطمینان حاصل می‌کند که او صدمه‌ای ندیده است.  
صحنه‌ی دوم

مادربزرگ احمد یک روز به پست‌خانه می‌رود. در راه، پای او در شکاف پیاده‌رو گیر می‌کند و او زمین می‌خورد. رحمان، که سوار بر دوچرخه است و برای شرکت در یک مسابقه از آن‌جا می‌گذرد، می‌بیند که چه اتفاقی رخ داده است. او چون دیرش شده فرصت زیادی برای رسیدن به مسابقه ندارد تمایل ندارد بایستد. البته دلیل مهم‌تر این است که رحمان از احمد خوشش نمی‌آید و بنابراین خوشحال است که مادربزرگ او زمین خورده است. رحمان می‌خواهد محل حادثه را ترک کند اما متوجه می‌شود که کمی دورتر کسی ایستاده است که بسیار شبیه عمویش است. او می‌ترسد که عمویش زمین خوردن مادربزرگ را دیده باشد و در عین حال ببیند که او بدون کمک به مادربزرگ به دوچرخه‌سواری ادامه می‌دهد. به همین دلیل، رحمان می‌ایستد و به مادربزرگ کمک می‌کند و پیش از آن‌که به دوچرخه‌سواری خود ادامه دهد، اطمینان حاصل می‌کند که او صدمه‌ای ندیده است.

دیدگاه ابن‌سینا و فلاسفه‌ی مسلمان را برنظر آنان در انسان‌شناسی تطبیق داده و توضیح بدهید که آیا نظر آنان در این دو بخش با یک‌دیگر سازگاری دارد یا نه.

آیا می‌توانید نمونه‌هایی ذکر کنید که در آن‌ها، تمایلی مادی مانع کسب فضیلت شده باشد؟

اگر انسان‌ها به عدل و احسان و مانند آن‌ها علاقه‌مند هستند و عقل آن‌ها این صفات را، قطع نظر از ضرورت اجتماعی‌شان، کمال می‌داند، چرا برخی افراد به دنبال این فضائل نیستند و بالعکس به سوی رذائل اخلاقی می‌روند؟ نظر شما در این باره چیست؟ چگونه می‌توان به آن پاسخ داد؟

۴۷

دیدگاه بالا را با دیدگاه داروینیست‌ها و ماتریالیست‌ها و دکارت در انسان‌شناسی تطبیق دهید و توضیح دهید که این دیدگاه با کدامیک از آن‌ها سازگار و با کدامیک ناسازگار است.

۴۸

این دیدگاه کانت را با نظر وی درباره‌ی انسان مطابقت دهید. آیا سازگاری می‌بینید یا ناسازگاری؟

۴۹

دیدگاه اخلاقی افلاطون و ارسطو را برنظر آنان درباره‌ی انسان تطبیق دهید و توضیح دهید که آیا میان نظرآنان درباره‌ی انسان و اخلاق ارتباط و هماهنگی وجود دارد یا ندارد؟

۵۰

گفت‌وگوی داود و سامان (درس ۱۱) را مرور کنید و بگویید با توجه به سخنان داود و سامان، پاسخ هر کدام از آن‌ها به این سؤال‌ها چه خواهد بود؟

۵۱

با توجه به داستان (داود و سامان در درس ۱۱) به سوال‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱) چرا با این‌که کسی متوجه دزدی سامان نشده، داود سامان را سرزنش می‌کند؟
- ۲) آیا واقعاً سامان کار خود را خوب تلقی می‌کند؟
- ۳) آیا در میان جملات داود و سامان قاعده‌ی نادرست اخلاقی هم مشاهده می‌کنید؟
- ۴) چرا داود تلاش می‌کند پایبند قواعد اخلاقی باشد و از آن‌ها سرپیچی نکند؟
- ۵) آیا انتقاد سامان از رفتار داود درست است؟ چرا؟

- ۱) الف) عکس‌العمل در برابر سختی‌ها منشأ آن قوه غضب است.  
 ب) نقد عقل عملی یکی از کتاب‌های کانت در حوزه فلسفه اخلاق است.  
 ج) کسب فضائل برای انسان باعث نشاط و لذت می‌شود.
- ۲) الف) قوه غضب انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی می‌کند.  
 ب) کانت دو کتاب مهم در فلسفه اخلاق دارد.  
 ج) ردائل اخلاقی باعث جلوگیری از کمال روح می‌شود.
- ۳) الف) قوه شهوت انسان را به سوی لذایذ فرا می‌خواند.  
 ب) افراط در شهوات مختلف شَره است.  
 ج) ردائل اخلاقی باعث صدمه زدن به روح می‌شود.
- ۴) الف) از نظر افلاطون در وجود انسان ۳ قوه اصلی وجود دارد.  
 ب) تِهَوْر به معنای نترسیدن در مواردی که ترس سزاوار است.  
 ج) ظلم و بخل و ریا نمونه‌ای از ردیلت‌هاست.
- ۵) الف) ردیلت و بدی زمانی شمرده می‌شود که فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی نباشد.  
 ب) چیرزه همان عدم نیاز به یادگیری و به شبهه انداختن دیگران است.  
 ج) هر انسانی فضیلت‌ها را دوست دارد و از ردیلت‌ها گریزان است.
- ۶) الف) اگر فعل اخلاقی برخلاف سعادت باشد شقاوت است.  
 ب) چیرزه به معنای خروج عقل از اعتدال و رفتن به سمت افراط است.  
 ج) رشد و کمال روح در صفاتی مثل عدل و احسان و خویشترنداری است.
- ۷) الف) اگر عقل در جهت سعادت باشد فضیلت است. (افلاطون)  
 ب) حد وسط و اعتدال شهوت خویشترنداری است.  
 ج) عقل عملی به این دلیل نامیده شده که قابلیت تشخیص خوبی و بدی را دارد. (در اسلام)
- ۸) الف) فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی آدم رابطه مستقیم دارد. (افلاطون)  
 ب) حد وسط و اعتدال غضب در شجاعت است.  
 ج) فلاسفه مسلمان عقل را منبع شناخت فضیلت و ردیلت می‌دانند.
- ۹) الف) اگر فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد فضیلت محسوب می‌شود.  
 ب) حد وسط و اعتدال عقل حکمت است.  
 ج) دیدگاه ابن‌سینا و دیگر فلاسفه مسلمان نزدیک به دیدگاه افلاطون و ارسطو است.
- ۱۰) الف) از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی رابطه دارد.  
 ب) حالت تفریط شهرت خمودی است.  
 ج) وجود منفعت در قواعد اخلاقی باعث رعایت آن‌ها می‌شود. (ماتریالیست‌ها)

الف) تفاوت در فرهنگ‌ها باعث تفاوت در اصول اخلاقی نیز گاهی می‌شود.

ب) حالت تفریط غضب تیرین است.

ج) موارد اخلاقی چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند باید آن‌ها را رعایت کرد. (ماتریالیست‌ها)

الف) از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی رابطه دارد.

ب) حالت تفریط عقل سفاهت است.

ج) عدالت و دیگر مسائل اخلاقی حقیقتاً، اخلاقی نیستند. (ماتریالیست‌ها)

الف) اصول اخلاقی با تغییر شرایط جامعه می‌تواند قابل تغییر باشد.

ب) حالت افراط شهوت شره است.

ج) صداقت و عدالت و دیگر موارد ارزش حقیقی ندارند. (ماتریالیست‌ها)

الف) ما طبق سلیقه خود نمی‌توانیم قانون بگذاریم و از دیگران انتظار رعایت آن را داشته باشیم.

ب) حالت افراط غضب تهور است.

ج) ابداع قواعد اخلاقی فقط برای وجود گره منافع خود با دیگران است. (ماتریالیست‌ها)

الف) نمی‌توان طبق سلیقه خود و دیدگاه خود قواعد اخلاقی وضع کرد.

ب) حالت افراط عقل چیززه است.

ج) نفع انسان در گرو نفع دیگران است. (از قواعد اخلاقی ماتریالیست‌ها)

الف) قواعد اخلاقی مورد قبول عموم قرار می‌گیرند.

ب) عقل هر انسانی اعتدال را به صورت امری درستی می‌پذیرد.

ج) آزادی زیاد در برابر دیگران منوط به آزادی دادن زیاد به دیگران است. این جمله توهم‌س‌هایز است.

الف) پرسش اصلی درباره فعل اخلاقی و طبیعی چگونه ملاک قرار دادن آن‌ها می‌باشد.

ب) از نظر ارسطو عقل هر انسانی اعتدال را درک می‌کند.

ج) در صورتی می‌توان با دیگران زیست کرد که آن‌چه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسندی.

الف) تفاوت بین فعل اخلاقی و فعل طبیعی یکی از موارد مورد توجه فلاسفه بوده است.

ب) ارسطو معتقد است سعادت معیار مشترک میان همه‌ی انسان‌هاست.

ج) اولین قانون اخلاقی این است «آن‌چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند.»

الف) دعوا کردن با قلدر مدرسه برای احیای حقوق ضعیف‌ترها نوعی فعل اخلاقی است.

ب) عقل هم ممکن است خودش دچار افراط و تفریط شود.

ج) از آن‌جا که انسان زندگی اجتماعی دارد ناگزیر است منافع اجتماعی را رعایت کند.

الف) نابرابری مصداقی از وجود فعل اخلاقی است.

ب) از نظر ارسطو علاوه بر غضب و شهرت باید قوه عقل هم در اعتدال باشد.

ج) باید منافع دیگران رعایت شود تا منافع خودمان رعایت شود.



الف) ایثار و وفاداری شهدا در جبهه نوعی از فعل اخلاقی است.  
 ب) رسیدن به درجات مناسبی از معرفت شرط اعتدال از سمت عقل است.  
 ج) بسته به این که یک کار به سود یا ضررمان باشد آن را خوب و بد می‌نامیم. (ماتریالیست)

الف) احسان و گذشت از غذای خود برای دیگران یک فعل اخلاقی است.  
 ب) عقل توانایی جلوگیری از افراط و تفریط را دارد. (ارسطو)  
 ج) خوب و بد در فلاسفه داروینیست به معنای اصلی خودشان به کار نمی‌رود.

الف) اگر کاری مورد سرزنش و تقبیح قرار گرفت می‌توان گفت آن کار فعل اخلاقی است.  
 ب) به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند.  
 ج) از نظر کسانی که بعد روحی را قبول ندارند انسان برای رفع نیازهایش مثل حیوانات عمل می‌کند.

الف) اموری که مورد ستایش و تحسین قرار بگیرند می‌توانند فعل اخلاقی باشند.  
 ب) عامل سعادت و نیکبختی از نظر ارسطو، اعتدال است.  
 ج) داروینیست‌ها کسانی‌اند که فعل طبیعی را درون فعل طبیعی می‌بینند.

الف) آشپزی برای فرزندان توسط یک مادر فعل اخلاقی است.  
 ب) اعتدال قوا در حاکمیت عقل است. (ارسطو)  
 ج) ماتریالیست‌ها ریشه افعال اخلاقی را در فعل طبیعی جستجو می‌کنند.

الف) ورزش و تفریح جزئی از افعال طبیعی هستند.  
 ب) نظر ارسطو نزدیک به استاد خویش بود.  
 ج) کانت: دو چیز همواره مرا به شگفتی می‌آورد الف) آسمان و ب) وجدان درون‌ها

الف) کسب درآمد نوعی فعل طبیعی است.  
 ب) اخلاق نیکوماخوس کتابی است از ارسطو.  
 ج) اگر کاری که می‌کنیم زمانی که برای خودمان نیز انجام دادند آن‌ها را تحسین کردیم این خیر اخلاقی است.

الف) کارهایی که انسان برای رفع نیازهای روزانه‌اش انجام می‌دهد فعل طبیعی است.  
 ب) نظر ارسطو درباره اخلاق نزدیک به استاد خویش است.  
 ج) از نظر کانت قاعده‌ای خوب است که بتوان آن را برای عموم نیز وضع کرد.

الف) افعال انسان به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند.  
 ب) نیکبختی معیارهایش برای همه‌ی انسان‌ها ثابت است.  
 ج) اصلی‌ترین دلیل که یک فعل خیر اخلاقی بشود این است که وجدان به آن دستور دهد.

الف) اخلاق برای همه باید یکسان باشد.  
 ب) معیارهای نیکبختی با گذشت زمان تغییری نمی‌کند.  
 ج) حتی اگر برای رسیدن به سعادت کاری را انجام دهیم آن دیگر خیر اخلاقی نیست. (کانت)

الف) انسان موجودی است اخلاق‌گرا.

ب) نیکی‌بخت کسی است که متصف به چهار فضیلت حکمت، شجاعت، عدالت و خویشتن‌داری باشد.  
ج) تشویش و تفجیر دیگران نمونه از عدم وجود خیراخلاقی در فعل ماست.

الف) هدف فلسفه اخلاق شناخت بیش‌تر ویژگی‌های انسانی در حوزه اخلاق است.

ب) برابند اعتدال قوا عدالت است.  
ج) اگر هیچ‌گونه هدف و منفعت شخصی در کاری که می‌کنیم نباشد آن خیر اخلاقی است.

الف) فلسفه اخلاق بخشی از فلسفه است راجب اخلاق و مسائل پیرامون آن صحبت می‌کند.

ب) قوه غضب متصف به شجاعت می‌شود با حکومت عقل.  
ج) خیر اخلاقی این است که صرفاً برای وجدان شخص انجام نشود.

الف) درک خوبی و بیدی از فواید اخلاق برای انسان است.

ب) قوه شهوت حکمتش در خویشتن‌داری است.  
ج) وجدان اخلاقی است که به خیر اخلاقی دعوت می‌کند.

الف) از نظر برخی متفکران انسان براساس اخلاق برخی از کارها را انجام داده است.

ب) از نظر افلاطون عقل از فضیلت حکمت برخوردار است.  
ج) از نظر کانت هر انسان درون خود حقیقتی به عنوان وجدان اخلاقی دارد.

الف) از نظر برخی متفکران انسان موجودی است که خوب و بد اخلاقی را درک می‌کند.

ب) کنترل و حکومت عقل بر قوه‌های دیگر باعث سعادت می‌شود.  
ج) معیار عقل اخلاقی از نظر کانت در وجدان اخلاقی است.

الف) یکی از وجوه تمایز انسان و حیوان اخلاق است.

ب) شرط وجود عقل است که منجر به سعادت می‌شود.  
ج) عناصر مابعدالطبیعه نظریه معرفت یکی از کتاب‌های کانت درباره فضیلت نیز هست.

الف) اخلاق آن‌قدر مهم است که برخی از متفکران، آن انسان را تعریف کرده‌اند.

ب) ملاک عمل باید در عقل باشد برای رسیدن به سعادت.  
ج) کانت فیلسوف قرن ۱۸ آلمان است.

الف) انسان می‌تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند.

ب) توانایی شناخت سعادت فقط از پس قوه عقل برمی‌آید.  
ج) عناصر مابعدالطبیعه نظریه حقوق نیز یکی از کتاب‌های کانت بر فلسفه اخلاق است.

الف) انسان با مفهوم اخلاق آشناست.

ب) قوه عقل است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد.  
ج) بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق یکی از کتاب‌های کانت در حوزه فلسفه اخلاق است.



۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

